

جهانبینی خلاق واپور تونسیم

چپ و راست

اپور تونسیم چپ و راست در تاریخ جنبش کارگری بنابر انگیزه ها و علل معین عینی و ذهنی پدیدار شده است .

پایه گذاران جهانبینی پیشرو برای پاکیزه نگاه داشتن این جهانبینی پیوسته پیکار کرده اند و رهنمودهای آنان بیانگر اینست که اگر بر ضد اینگونه گرایشهای نادرست مبارزه نشود پیروی از اپورتونیسیم راست جنبش کارگری را به اجزای ریفورمیسم بورژوازی میکشاند و چیر شدن اپور تونسیم چپ جنبش یار شده را باشکست روبرو می سازد .

این دو گرایش نا درست اگر چه یکی از سوی راست و دیگری از سوی چپ بر پیکر جهانبینی خلاق ضربه می زنند و مواضع آنان در نگاه اول نا همگون جلوه میکند ولی از نظر انحراف از اصول جهانبینی خلاق و پشت پا زدن به بنیان های ایدئولوژیک رنجبران باهم شباهت عمیق دارند . یکی انباشته از جوش و خروش دروغین انقلابی است و دیگری آکنده از سازشکاری و تسلیم طلبی و زبونی .

در تمام دوران بین الملل اول رهبران خردمند جنبش کارگری بر ضد اینگونه گرایشهای زهر آگین به مبارزه برخاستند و پس از آنان پایه گذار بین الملل سوم به نبرد بی امان و همه جانبه بانمایندگان اپورتونیسیم چپ و راست پرداخت و اپور تونسیم راست را در وجود کارل کائوتسکی و برنشتاین کوبید .

در دوران ما نمایندگان اپورتونیسیم راست (تجدیدنظر طلبان) از پذیرش حقیقت عام جهانبینی پیشرو سرباز می زنند . آنان رستخیز رنجبران و استقرار دکتاتوری زحمتکشان را به مثابه شرط و ضامن پیروزی نظام نوین نمی کنند حال آنکه بر اساس آموزش پایه گذاران جهانبینی پیشرو و ادامه دهندگان راه آنان گذار از سرمایه داری به نظام نوین جریان انقلابی واحدی است که در برگیرنده قانونمند یهای اصولی ، مهم و کلی است که این قانونمندیها را چنین می توان برشمرد :

رستخیز رنجبران ، رهبری توده های ستمکش بوسیله رنجبران که هسته آن گروه پیشاهنگ طراز نوین آنانست ، همبستگی رنجبران با دهقانان و دیگر ستمکشان بر انداختن مالکیت سرمایه داری و برقراری مالکیت اجتماعی بر وسایل عمده تولید ، بر انداختن ستم ملی ، دفاع از پیروزی

جهانبینی پیشرو تنها فر آورده نبوغ پر درخشش و آفرینندگی شگرف بنیانگذاران خویش نیست بلکه بر پایه قانونمندی تکامل تاریخی و شرایط اقتصادی و اجتماعی معینی پدید آمده و زمینه پدید آمدن آنرا تمام جریان تکامل اندیشه های علمی و فرهنگی آماده ساخته بود .

جهانبینی پیشرو مجموعه ای از دستور های دگرگونی نا پذیر نیست بلکه دانشی است خلاق و رشد یابنده که هماهنگ با زندگی پیوسته در تغییر است و به پیش می رود .

از آنجایی که تاریخ عرصه فرسایش کهنه و زایش نو است جهان بینی پیشرو همواره از نوآوریهای زمان بهره می گیرد و برای شناخت پدیده های تازه راه های نوین در می یابد .

روح این جهانبینی دیالکتیک درخشان و تکاپوی درنگ ناپذیر آنست ، نادیده گرفتن پروسه حرکت و دگرگونی و تکامل پدیده های اجتماعی مفهوم جدا شدن از این آموزش را دارد .

جهان بینی پیشرو از آوان پدید آمدن خویش تا کنون خشم و کینه همه بهره کشان ، بیدادگران و برده کنندگان انسان را برانگیخته و از جهات و جوانب گوناگون مورد یورش دشمنان خود قرار گرفته و همواره در نبرد با گرایشهای نادرست ، در نبرد با اپورتونیسیم چپ و راست استواری و پایداری یافته و قوانین خویش را گسترش داده و بر غنا و ژرفای آن افزوده است . چه بقول پایه گذار بین الملل سوم در جامعه ای که بنای آن بر مبارزه طبقاتی نهاده شده است هیچ علم اجتماعی «بی غرضی» نمی تواند وجود داشته باشد .

جامعه انسانی و طبقات آن در جریان تحول پیگیر و تکامل گسست ناپذیر است .

طبقات کهنه بسود طبقه نوین راه زوال و انهدام را می پیمایند . این پروسه هر روز بیش از پیش کسانی را از طبقات کهن در صفوف رنجبران داخل میکند و آنها با خود اپورتونیسیم چپ و راست و اندیشه های ماجراجویانه و سازشکارانه را به جنبش کارگری می کشانند .

به جهانبینی پیشرو از دیدگاه متافزیک نگرستن و آنرا به مثابه چیز بیجان نی تلقی کردن و در نظر نگرفتن آن به عنوان آموزش مبارزه انقلابی اپور تونسیم چپ است و خود داری از پذیرش حقیقت عام جهانبینی پیشرو اپورتونیسیم راست .

مبارزه ، شکست ، بازهم مبارزه ، بازهم شکست ، بازهم مبارزه

و سرانجام پیروزی ، اینست منطق خلق دربر خورده بامر تجمعین .

م. ش «مورچل»

دامریکی امپریالیسم یا دنیوی بوسستر داده مار

میوی متحده کمپنی چه به «گرین دول» سره مشهوردی دلاتینی امریکی په اتو هیوادو کمپنی تقریباً ۲۵ میلیون هکتاره خیمکه په شرمی قوا له اخیستی ده د امریکی ددی نوری کمپنی ددومینیکن د جمهوریت د خیمکی په برخه په لاتین کمپنی لری . امریکائی استثمارچیان په گواتیمالا کمپنی تقریباً د ۱۸۸۰۰۰ هکتاره خیمکی په برخه په لاس کمپنی لری . نی له ۳۶ میلیونو دلارو څخه اوږی .

امریکائی دارماران د ۱۹۵۷ تر ۱۹۶۲ پوری دآسیا ، افریقا اولاتینی امریکی څخه ۱۸۰۰۰ میلیونو دلارو گټه اخیستی او په عوض کمپنی استعماری فرهنگ او کلتور ، اقتصادی وران و بچار حالت او ار تجاعی حکومتونه چه ددوی په گټه د خدمت دپاره ملاکله تړلی بل کوم شیندی ور بخښلی .

نفت دښ ورځی د ژوند یوه داسی اساسی منبع ده چه امپریالیسم تری سترگی نشی غږ ولی اود هغو دسیسو او لارو په لټه کمپنی دی کوم چه وکولای شی دمنځنی ختیځ او لاتینی امریکی نفتی منابع تر خپل کنترول / لاندی راولی او لکه څنگه چه وینو امریکایی امپریالیستان پخپل دغه آرزو رسیدلی هم دی او دمنځنی ختیځ نفت په سلو کمپنی ۸۰٪ برخه نی ددوی په لاس کمپنی دی هغه آمار چه دامریکی متحده ایالاتو خپله خپره کړی بنی چه په کال ۱۹۶۲ دمتحده ایالاتو دتیلو د کمپنی گټی ۱۷۱۶ ملیو نو دلارو ته رسپړی دتیلو هغه کمپنی چه دمتحده ایالاتو انحصاری سر مایی پوری اړه لری اعتراف کوی چه دوینز ویلا او کویت دتیلو د کار خانی هر کار گر باید په کال کمپنی ۲۱۸۰۰ او ۴۰۰۰۰ دلارو پس انداز و لری حال دا چه دغه بد بخت کارگران چه ټول تولید ددوی دمټو په زور کیږی او ټول مادی نعمتونه ددوی دتندی دخولی ثمره ده ، نه کور لری نه لباس او نه په مړه گیډه ډوډی .

دوینز ویلا اکثره خلکو په ورځ کی ۴۰۰۰۰ ټنه پترول تولید وی تر او سه پوری دتیلو د چراغ د لگولو توان نلری . دامریکی دمتحده ایالاتو امپریالیستی کمپنی چه په وینزوئلا کمپنی دفتو ټول منابع په لاس کمپنی لری په سلو کمپنی او یا نفتی «پاته په دریم مخ کمپنی»

دامپریالیسم څخه زمونږ هغه سیستم مراد دی کوم چه غواړی د نړی نور ولسونه تر خپل اقتصادی کنترول لاندی راولی اونه دې لارې دغه ولسونه په پیره غیر انسانی توکه استثمار کاندی نوله همدی کبله دآسیا ، افریقا او لاتین امریکی گڼ ولسونه دامپریالیسم او په دې تازه وختونو کمپنی د نوی استثمار د مدافعیو دیرغل گری د سیاست تر سیوری لاندی ژوند کوی چه دغه ژوند نده بلکه سوچه غلامی ده .

کله چه یوملت یا یوزیارکش انسان اقتصادی آزادی نلری نو هیڅکله نشی کولی چه دیو آزاد سیاست او یا دآزادی مفکورې خاوند شی له کومه ځایه چه دآسیا ، لاتین امریکی او افریقا اکثر مملکتونه دامپریالیسم او استثمار د مدافعیو تر اقتصادی اسارت لاندی ژوند کوی نو دغه ملتونه دامپریالیسم د تجاوز او جنگ د سیاست سره چه ددوی استثمار د مدافعیو په ملاتړ مخکښی څی خپله ښکاره مخالفت نشی څرگندولی او سپی هم شوی دی چه مرتجع حکومتونه په ښکاره ډول دامریکی جنگی سیاست سره چه په ټوله نړی او خصوصاً په ویتنام کمپنی چلیږی خپله موافقه څرگنده کړی او حتی خپل عسکرانی هم دامپریالیسم خدمت ته استولی دی . ددی لپاره چه دامریکی دامپریالیسم دنجس قواری سره ښه آشنا شو نولازم دی چه د یو څو حقایقو سره د اختصار په ډول تماس ونیسو :

۱- سرمایه اچول : له کومه ځایه چه امپریالیسم دامریکی دامپریالیسم په مشری همیشه کوشش کوی چه دنورو ممالکو پر اقتصادی جریانانو باندي حاکم او مسلط شی نو سرمایه گذاری ددغه آرمان د رسیدلو لپاره پیره ښه وسیله ده . دامریکی انحصاری سرمایه (مونوپول کاپیتال) په سلو کمپنی شپيته دنړی مشهور تولیدی منابع یا خاکنه کړی اویائی تر خپل مستقیم کنترول لاندی راوستی دی .

لونی مزرعی ، مواصلاتی کرښی ، مخابرات ، پروژي ، بانکونه ، بیمی او داکثرو هیوادو خارجی تجارت او حتی د بعضی هیوادو داخلی تجارت د امریکی دامپریالیستی تبه کارانو تر نظارت لاندی دی چه ددغې لارې څخه پیره گټه دامریکی د انحصار گرو سرمایه دارانو جیب ته لوټیږی د

جهانبینی خلاق واپور تو نیسم..

- ۲ -

پافشاری روی مبارزه گلید پیروز یست

غذا بصورت خیرات- پلو تولکی در مرادخانی و پل خشتی- شش کباب- شوربای کله- چاینگی و غیره نیز ندرتا نصیب آنها میگردد.

کمر از نظر ارزش غذایی مصرف رنجبران را محاسبه کنیم شاید در حدود ده افغانی بوده و اگر کرایه یک شبه اطاق را نیز علاوه کنیم مجموعاً یازده تا دوازده افغانی در یک شبانه روز مصرف دارند.

هرگاه بتوانند کار پیدا کنند- مزد آنها در مقابل رنج فراوان و طاقت فرسا در یک روز از ده تا چهل افغانی تجاوز نمی کند.

از همین مزد عرق ریزی است که باید زحمت کشان بخورند- بپوشند و با اصطلاح زندگی کنند و در عین زمان ذخیره و پس انداز نمایند تا زن و فرزندان خود را نان بدهند و باید از این کوری و کبودی خود چند متر صحن کوره وطنی یا چیت- کالای کهنه آمریکائی چیلی یا بوت رابری ساخت مرادخانی برای خود و فامیل خود و هم چنین تیل و تنباکو و غیره اشیاء بخرند. اگر قر ضدار باشند (چه حتماً هستند) یا چند درخت توت- بز- خر و غیره خود را بگرو گذاشته باشند- در آن صورت از خود تمام اشیای مورد نیاز فروخته- نظر کرده و پول اندوخته را به معامله دار خود می دهند تا از شر دشنام و بوچ گوئی آنها رهائی یابند.

خواننده کنجکاو! این صرف تحلیل عینی از وضع زندگی عده لایزال رنجبران در یک گوشه شهر- یعنی رستوران خیبر بود. در حالیکه در سراسر شب باشی دیگر در همین پایتخت کشور وجود دارد که وض- اغلب آنها از این هم بدتر است.

حالا مطالعه سراسر که کاه فروشی- پخته فروشی- دروازه لاهوری- چنداول و غیره بدو شتو است. اگر از نزدیکتر میخواهی به مطالعه زندگی این زنده بگور ها پردازی- پس لطفاً وضع فامیل های هزاره و پنجشیری را در هر منزل و تعمیر شهر نو- کارته چار- کارته پروان و غیره نقاط به اصطلاح متمدن شهر کابل مطالعه کن و سپس را جمع بوضع زندگی در ولایات دور دست افغانستان تفکر نما و نتیجه گیری کن. شاید در آخرین تحلیل به این نتیجه برسی که در این ظلمت کده کی زحمت می کشد و کی میخورد! بگذار درخاتمه این سطور متذکر شوم که رنجبران افغانستان متحد شوید- از مبارزه و قربانی نهراسید شما چیزی از دست نخواهید داد. بجز رنجبر های خودتان- مگر در عوض جهانی را بدست خواهید آورد. رنجبران و ستمکشان! اگر یک بار متحد شوید و از «چار شقه شدن نهراسید ارتجاع را از مسند قدرت فرود خواهید آورد!

رفقا! وقتی که ما متحد شویم، یقیناً باین هدف خواهیم رسید.

از لباس رنجبران سخن بز نیم! پیراهن پراز وصله و پاره پاره صحن وطنی، تنبان یا پر زو که آن هم به سر نو شت پیراهن گر فتار است و کهنه آمریکایی.

بوت یا چیلی را بری (اما بسیاری اوقات پاهای برهنه است) پارچه کهنه بنام لنگو ته و کلاه نخی. اگر تمام کالای جان این بینوایان را از نگاه ارزش در نظر بگیریم شاید قیمت مجموعی آن به پنجاه تا یکصد افغانی نرسد!

بستر آنها یک لحاف کهنه ژنده و بعضاً یک عدد بالش کهنه اکثر آنها دوشک ندارند زیرا لحاف یا شال کهنه شان می تواند هر دو وظیفه را انجام دهد.

این بود تمام آنچه که بنام پوشاک به ایشان متعلق است. رنجبران اگر قصد غسل داشته باشند یا بخواهند لباس خود را بشویند به کنار دریای (کابل) و در اطراف کنار جویبار و چشمه می روند و چون لباس عوض ندارند لذا خود را برهنه می سازند و لنگ می زنند و پس از شستن و پاک کردن تن و کالای خود (که اکثراً بدون صابون صورت میگیرد) رهسپار اطاق یا چیزی شبیه به گورستان می شوند و بزندگی محنت بار همیشگی خود ادامه می دهند.

رنجبران چه میخورند؟
هرچه پیش آمد خوش آمد! زیرا این توده عظیم شرافتمند از غذائی که حاوی تمام مواد و عناصر مورد احتیاج بدن است جز نام، رنگ و بو، چیز دیگری بدست ندارند غذای همیشگی آنها بقرار ذیل است:
توت خشک یا تلخان، نان خشک چای تلخ یا بعضاً گر و ندرتا بوره- قرار حکایه خودشان بعضاً پسمانده

لهیب

باز هم نقض وحدت در پرده فریادهای وحدت طلبی

کند که ایدیالوژی طبقاتی فقط میتواند از عمل اجتماعی سر چشمه بگیرد. یعنی این سه نوع عمل مبارزه تولیدی اجتماعی، مبارزه طبقاتی و از مایشات علمی، موجودیت عینی و اجتماعی طبقات در جامعه تعیین کننده ایدیالوژی آن است و همانطوریکه اقتصاد و سیاست طبقاتی و از هر طبقه و ویژه خودش میباشند و نمی تواند مافوق طبقات باشد ایدیالوژی که بر پایه های اقتصاد و سیاست بالخصوص استوار و موقعیت اجتماعی ویژه دارد. نیز هرگز نمی تواند مافوق طبقات قرار گیرد. اقتصاد و سیاستی را که طبقات پیشرونده جهت الغای جبری استوار است استثمار و بهره کشی فرد از فرد و منسوخ قرار دادن تابعیت در «ص ۴»

دبستان آرزو مند آن بود ندا شته باشد و چون جهان بینی های کهن به تماشای گری جهان بسنده کند.

دگماتیست کسی است که راه ها و شیوه های پیش شده از جانب او هر روز با شکست و ناکامی تازه ای رو برو شود و نا درستی آن با ارائه انبوه عظیمی از مدارک و فاکت ها مورد ارزیابی نقادانه قرار گیرد ولی او حقایق را نا دیده انگاشته به پیش کشیدن همان شیوه های نا درست و سازشکارانه و باز گفتن همان یاوه های کهن بپردازد.

آیا این روش جز عدم توجه به جریان حرکت و تغییر و تکامل پدیده های اجتماعی و همبستگی متقابل این پدیده ها و جدا شدن از جهان بینی خلاق چه مفهومی دارد؟

آیا در دوران ماکه پیکار های دلیرانه رنجبران کشور های اروپای باختری و جنبش های دمو کراتیک و رهائی بخش خلق های خاور زمین، افریقا و امریکای لاتین با سداران جهان کهن را در لبه پرتگاه نا بودی کشانیده سزاوار نیست کسانی را که جهان بینی پیشرو را با اینگونه پندار های سازشکارانه و بدفرجام می آمیزند بقول پایه گذار بین الملل سوم در قفس نهاد و در کنار کانگو روی استرالیایی به معرض نمایش گذارد.

مابدرستی می دانیم که زندگی، عمل و جنبش های دوران ساز خلقها بنده و برده هوسها تخیلات و آرزو های کسی نیست سر انجام رزمندگان راه آرمانهای پر قروغ خلق به پیروز مندی خواهند رسید و سنگی را که هر تجمیع برای کوبیدن خلق بلند کرده اند روی پای خود شان خواهد افتاد.

های رستاخیز رنجبران در برابر دشمنان درونی و بیرونی و همبستگی رنجبران با رنجبران کشور های دیگر.

در دوران ما زیانمندی اپورتونیسم راست یا تجدید نظر طلبی که روندی است بورژوازی چندین بار بیشتر از دگماتیسم است. تجدید نظر طلبان در سخن دم از جهانبینی پیشرو می زنند و حتی به «دگماتیسم» حمله ور می شوند ولی در عمل بنام «خلاقیت» و جلو گیری از (جمود اسکولاستیک) جهانبینی پیشرو را از محتوی انقلابی و پیکار جویانه آن نهی می سازند و جوهر و اساس آنرا مورد حمله قرار می دهند.

بنابر آموزش پایه گذار بین الملل سوم دیالکتیک تاریخ چنان است که پیروزی جهان بینی پیشرو دشمنان سو کند خورده آنرا وادار می کنند که به لباس «انقلابی» در آیند و برای بر کنار ماندن از سیلاب خروشان رستاخیز رنجبران و جلو گیری از دگرگونی های بنیادی اپورتونیسم راست را در جنبش کار گری رخنه دهند.

سازشکاران و آیین شکنان کشور ماکه اکنون در پرتو جنبشهای رنجبران و روشنفکران مترقی سیمای بنگین شان آشکار شده از چندی باینسو بر هر گونه تحریک اجتماعی بر هر گونه مبارزه بر هر گونه جنبش های اصولی رنجبران و روشنفکران مترقی بر چسب حادثه جویی و دگماتیستی میزنند و این جنبش ها را مظهری از اپورتونیسم چپ وانمود می کنند.

ولی آیا اپورتونیست کیست؟ آیا چه کسی جهان بینی خلاق را مجموعه ای از احکام جامد و دستور های گسسته و نا پیوسته میدانند نه راهنمای عمل.

اپورتونیست کسی است که رستاخیز رنجبران و استقرار دیکتاتوری آنانرا به مثابه شرط و ضامن تحکیم این رستاخیز نفی می کند و این شیوه ها را آشوب طلبانه و ماجرا جویانه میدانند.

اپورتونیست کسی است که بنابر پندار او با گرایش به راه رشد غیر سرمایه داری و پارلمانتاریزم و اصلاحات تدریجی در چهارچوب وضع موجود می توان به بنای جامعه ای نوین که بردرفش آن شعار «از هر کس به اندازه استعدادش و به هر کس به اندازه کارش» نوشته است پرداخت. اپورتونیست کسی است که بنابر پندار او بر سروروی جهان بینی پیشرو کرد و غبار روز گاران تشسته و باید در آن تجدید نظر به عمل آید. ولی این تجدید نظر جز قلب ماهیت جهانبینی پیشرو و دور افگندن جوهر آن چیز دیگری نیست. این تجدید نظر برای آنست که مترقی نقش دگرگون سازنده ای که پایه گذار بزرگ این

د امریکې امپریا لیسیم...

محصولات دهغه مملکت دنو کرما ب او مرتجع حکومت پواسطه شما لسی امریکې ته وړی چه خپلی کمپنی پری چالانی کړی او صنعتی تو لیدات بیرته په خو چنده قیمت دغه هیواد باندی خرڅ کړی، چه ددغی لار نه په کال کښی ۵۰۰ میلیون ډالره د امریکې د متحده ایالاتو خیتورو انحصارگرانو جیب ته لوئیږی.

د امریکې متحده ایالات په آسیا، افریقا او لاتینه امریکه کښی د فلزاتو او قیمتی موادو لکه یو را نیوم، بریلیوم، تانتلوم، نیو بیوم اولیتیوم معدنونه تر لاس لاندی کړی دی. کانگو ليو پو لد ویل چه دیو رانیوم نیو بیوم، اولیتیوم ډک او غنی کانونه لری د امریکې د متحده ایالاتو تر مستقیم نظارت لاندی دی چه د ۱۹۶۴ کال د امریکې نظامی مدا خله زمونږ دادعا د اثبات د پاره یو ښه دلیل کیدای شی. د امریکې متحده ایالات د نو موړی موادو د وڅخه دا تومی، هیدرو جینی بمونو او مصنوعی سپوږميو په جوړولو کښی استفاده کوی. د مثال په ډول یورانیم چه هر کال په زرگونو ټنو دکانگو زیار کښی ولس پواسطه لاس ته راخی ۹۰ فیصده ئی د امریکې د «ای، آی، دی یا آی، سی، ای» د مرستو په عوض امریکې ته وړل کیږی چه د امریکې د متحده ایالاتو لمرنی اتومی بم له همدغه یو را نیوم څخه جوړ شوی و.

۲- مارکیت او قیمتونه:

څرنکه چه د امریکې امپریا لیسیم د آسیا، افریقا او لاتینی امریکې ځینی وروسته ساتل شوی هیوادو طبیعی منابع تر خپل څارنی لاندی لری نو دنوموړو مملکتو اومه معدنی او زراعتی مواد دخپلی د خو ښی په بیه اخلی او په عوض کښی صنعتی تولیدات د «اومه مواد دی را کړه او صنعتی کالی درواخله» تر شعار لاندی په گرانه بیه خرڅوی. له کال ۱۹۵۱ څخه تر ۱۹۶۱ پوری امریالیستان د زراعتی او معدنی اومه موادو بیه په سلو کښی ۳۹۲ ښکته کړی ده حال داچه د صنعتی تولیداتو بیه په سلو کښی ۳۱۳ جگ شوی دی چه د همدغه غیر عادلانه قیمتونو په ایښودلو سره له کال ۱۹۵۱ څخه تر ۱۹۶۲ پوری ۴۰۰ / ۴۱ میلیونه ډالره د امپریا لیسیم پواسطه له وروسته پاتی هیوادو څخه ایستل شوی چه ددغی گټې زیاتره برخه د امریکې د امپریا لیسیم په برخه شوی دی اوددغه شوم استعمار په وینو رنګ پنجو ورځ په ورځ ډکارگرانو او زیار کښو خلکو په مرئی کښی خښیږی اوددغو ولسونو وینې لکه جوړه څکی.

په کال ۱۹۶۲ د امریکې متحده ایالاتو ددغی غیر عادلانه تبادلې څخه ۱/۷۰۰ میلیونه ډالره گټه واخیسته. چلی د مسود کانو په لرلو کښی یوستر هیواد دی مگر ددغه فلز زیاتره برخه اوحتی په سلو کی ۹۰ برخه یی د امریکې متحده ایالاتو ته څی په

تیرو څلویښتو کلنو کښی امریکایان پنځلس ملیونه ټنه مس د چلی څخه خپل هیواد ته یو وړل چه دفابریکی دخینو مصارفو اود کار گرو له معاش نه پرته څلور زره ملیو نه ډالره په توگه انحصاری کمپنیو ته پاتی شو چه که چیرې ددغه پیسې دخپلی پر خلکو باندې ویشل کیدای نو دسړی په سربپه کال کښی ۵۰۰ ډالره رسیدنه نو پدی حساب د امریکې امپریا لیسیم دخپلی دهر فرد څخه ۵۰۰ ډالره غلا کړی ده.

۳- اقتصادی مرستی: دغه یوه مخصوصه طریقه ده چه نوی استعماری کنترول دساتلو، دهیوادو په داخلي چارو کښی دلاس و هلو اود خپلې خو ښې د حکومتونو دمنځ ته راوستلو دپاره په کار اچولی دی. د امریکې امپریا لیستی نظام خپلی مرستی تر داسی درنهو شرایطو لاندی وړ کوی چه غیر له محرو میت او پسمانی بله کومه گټه نه رسوی. تردغو غیر عادلانه شرایطو لاندی مرسته اخستونکی هیوادونه مجبور دی چه د مرستې شوی پیسې په مقابل کښی صنعتی کالی، زړې جامې «کهنه فروشی» او تجملی کالی واخلي او کله ددغو مرستو په مقابل کښی ډله ډله پيسکوران «دصلحی خدمتکاران» دزراعت انجنیری اود ښوونې او روزنې متخصصین! (چه په عمو می صورت دغه گروپونه دسی- آی- ای «سیا» جاسوسان دی) مرستی اخيستونکی هیوادو ته ننه وځی چه له یوی خوا دننه په هیواد کښی دجا سو سی شبکه تقویه کیږی اوله بلې خوا هر متخصص ئی! له یوزرنه تر یونیم زرو ډالرو پوری معاش اخلی چه په دغه صورت کښی د مرستې شوې پیسې څو چنده بیرته امریکې ته ځی. په نتیجه کښی د مرستې اخيستونکی هیواد دصنعت پرمختگ غټه صدمه رسیږی اود سیا ست په ډگر کښی هم خپله آزادی له لاسه ورکوی. دادی زمونږ ددوست هیواد د امریکې متحده ایالاتو کمکونه! د امریکې د متحده ایالاتو ۳/۵۰۰ ډالره مرسته دیو گوسلا ویی حکومت چه په اصطلاح یوسوسیالیستی دولت دی غیر له دې نه چه دسرما په داری نظام «کاپیستا لیسیم» دبیر ته ژوندی کیدو اود په اصطلاح «صلح ایزه تکامل» کښی مرسته وکړه بله کومه نتیجه یی ورته کړه.

دهند جا کمه طبقه ددې لپاره چه خپل تجاوزکارانه سیا ست مترقی هیوادو پر ضد عملی کاندی د امریکې څخه ۶۰۰ / ۶ میلیو نه ډالره مرسته واخیسته.

له کومې وړ څی نه چه د امریکې مرستی هند ته جاری شویدی په هغه هیواد کښی د غلی او پښی کرهڼه وروسته پاتی شویده او هر ورځ چه تیر یږی دهند ولس لا پسې وږی کیږی او دغه لوړه ده چه ددوی ژوند

تهدیده وی زمونږ ددغی مند عاء د اثبات لپاره دا و سنی او تیرو کلونو لوژی او قحطی یو څرگند دلیل دی. په اوسنی وختو کښی امپریا لیسیم دو یتنام پر قهر مان ولس باندی خپل د تیری او جگړی د سیا ست داعما لو لو لپاره په ملیو نومیلیونو ډالره مصر فوی اود ویتنام د جنوبی برخې «پای دو» چکو ټټو ته هم هغسی نڅا کوی چه امپریا لیسیم ورته ساز وهی.

د تایلند حکومت چه په کال ۱۹۵۰ کښی د امریکې د مرستو څخه بر خور دا ره شوی دی ته مجبور شو چه خپل دنسا جی څلور فابریکی و تری ځکه چه د امریکې زړی جامې «کهنه فروشی» دنوی او وطنی جامی ځای و نیو او څرنگه چه د تایلند اکثره خلک دنویو کالیو داخیستلو توان له لاسه ورکړی نو مجبور دی چه له زړو جامو څخه استفا ده و کړی زمونږه حاکمه طبقه (تا جبر وکرات او ملاکیز وکرات) چه د امپریا لیسیم سره دورور گلوئی کلک قسم ئی کړی ده نو دغه بد بختی او بد مرستی زمونږ په نصیب هم ده.

د امریکې غرض آلوده مرستی لکه زهر دی چه غیر له بد بختی (بحران تجزیه، کودتا، مزا حمت اومدا خله جگړه) نه بل کوم داسی شی چه دخلکو دردونه برې دواشی له ځانه سر نه راوړی او کوم حکومتو نه چه ددغی مرستی څخه ځان ژغوړلی دی دیر مستقل سیاست، اقتصاد او فرهنگ خا وندان دی.

۴- اضافی تولیداتو مصرفول: امریکه خپله اضافی غله اودانه دخپلی کورنی بحرانو دمخنیوی لپاره په آسیایي، افریقایی او لاتینی امریکې هیوادو نو باندی خرڅوی چه دغه معامله له یوی خوا د امریکې داخلي بحرانونه سپکوی او له بلې خوا ښه ستره گټه تری اخلی. د امریکې دغه غلی د مرستی اخيستو نکی هیوادو (چه یو وخت کښی دوی خپله دغلی صا درونکی وو) پر زراعتی محصولاتو باندی خورا سخته اغیزه کوی او همدا اوس ډیر هیوادونه شته چه دغذایی موادو دلروالی سره مخامخ شوی دی چه داخپله ددغسی غلی دپه اصطلاح بلا عوضه مرستو مستقیمه نتیجه ده.

دهغه هیوادونو چه د امریکې مرستی ته لاس اوږد کړی او اوږد وی، زراعتی محصولات په کال ۱۹۶۱ او ۱۹۶۲ کښی نسبت وهغو محصولاتو ته ډیر لږ شوی دی کوم چه ددوهمی عمومی جگړی (۱۹۳۴-۱۹۳۸) څخه مخکښی لاس راتله په آسیا کښی ۳۸ فیصده په افریقا کښی ۸۰ فیصده او په لاتینه امریکه کښی ۱۵۱ فیصده زراعتی محصولات لږ شویدی چه په نتیجه

کښی دو لسونو هغه غذایی مواد چه دوی پری ژوند کوی او خپل مصرف شوی انرژي «قوت» پری بیرته تجدیدی لروالی راغلی دی او همدغه دغذایی موادو لږ والی یا نشتوالی دی چه په دغه هیوادو کښی څلویښت کلن انسان زوړ ښکاری اود ډول ډول نارو غیو سبب یی گرځی.

د امریکې امپریا لیسیم چه دخلکو لمرنی دښمن گڼل شویدی د خپل دمنافعو نه سخت ملاتړ اود بشر دوستی په بهانه دسړ مای په صادرو لو کښی اود ډالر دخاکمیت د تثبیتولو لپاره تل کوبښښ کوی مگر خلک گوری چه ډالر امپریا طور دی د آسیایي افریقایي او لاتینی امریکې د زیار ایستونکو ولسو نو په وینو تعمیر شوی دی او هر ډالر یی د تاریخی جوړونکو کارگرانو په وینو سړ ښکاری اوله همدې کبله ده چه ددغو گټو ولسو نو دبی امانسی مبارزی طوفانونه چه د امپریا لیزم د زوال دعصر په اندینو مجهر دی د امپریا لیسیم اود نوی استعمار دمنافعینو پر ضد چه داستبداد خاله اود رجعی طاقتونو ترشا مطمئنه جبهه ده لکه سیلاب مخ په وړاندی درومی. اوس په سترگو وینو چه د امپریا لیسیم ټغر مخ په ټولو دی او د نوی استعمار د مدافعیانو اردو گاه هم چه دامپریا لیسیم مشاطه گر خیدلی مخ په وړاندی و او اضمحلال ښکاری.

د امپریا لیسیم او نوی استعمار دمنافعینو لمر دلویدیځ غنډیو شاته مخ په پریوتودی حال داچه د امپریا لیسیم دعصر د زوال لمر دخپلی سړی پلوشی سره د ختیځ لوری نه را خپری او جهان روښا نه کوی. نه خلیدو نکی داخلي او خارجی تضادونه داور شیند «آتش فشان» په شان د امریکې امپریا لیسیم هره ورځ تهدید وی، د امریکې امپریا لیسیم بیخي ددغه اور شیند غره په څوگه تاحت دی.

پای
صاحب امتیاز و مدیر مسئول
داکتر د حیم (محمود دی)
آدرس حصه اول جاده میوند
حساب در پښتني تجارتي بانک
(۷۲۷۴)

هر پنجشنبه نشر میشود
قیمت هر شماره در سرا سر
افغانستان دواغاني
حق الاشتراك
مرکز ۱۰۰ افغاني
ولایات ۱۱۰ »
خارج ۱۰۰ دالر

مظاهرات شورانگیز کارگران جنگلک، فابریکه بوت آهو و شاگردان میخانیک

کارگران قهرمان جنگلک ۱ یمن موج پیشتاز جنبش کارگری بدنبال مظاهرات قبلی خویش باز هم دست به مظاهره زدند بدین معنی که کارفرمایان این فابریکه در موعدهای برآوردی بدیرش خواسته های کارگران آرزو کرده بودند نخواستند خواسته های برحق ایشان را برآورده سازند و لی کارگران پیشرو آنجا که ایقان داشتند این مهلت طلبی ها صرف به منظور اغوای ایشان است برو زشنبه یازده جوزا به مظاهره پرداختند این موج خصم افکن با شاگردان مبارز مکتب میخانیک در هم آمیخته بسوی سایر حوزه های کارگری مارش کردند که بالتلیجه کارگران فابریکه بوت آهو نیز با روحیه رزمندگی خویش بدین جنبش پیوسته و متحدانه خاطر سایر همزنجیران خود رهسپار مطبوعه دولتی گردیدند اما پاسداران منافع ارتجاع در حالیکه کارگران واقعی آنجا را محاصره کرده بودند به وسیله اجیران خود بدین دعوت اتحاد و همبستگی جواب رد دادند در همین ناحیه مزدورانی نقابدار طبقه حاکمه برای اینکه به ادعای پوچ و میان تهی اربابان خود مبنی بر ما جرا جویی و اخلاص نظم عامه جنبه واقعیت دهند به سوی پلیس سنگ اندازی کردند که در نتیجه بر خورد پلیس های مخفی و آشکار چار نفر کارگر جرأت برداشتند ولی کارگران جنگلک بزودی ملتفت گردیده عمال ارتجاع را از صفوف خود بیرون راندند این تظاهرات باشعارهای که انعکاس دهنده روح رزمندگی و پیکار جویی کارگران بود تا ساعت پنج بعد از ظهر ادامه داشت.

کارگران قهرمان و آگاه جنگلک که بحق میتوان به آنها «پیشستاز خلق و حمتکش» گفت در چندین موضع پر از دحام شهر سخنرانی های آتشین نموده و در ضمن آن اصول و دستورهای جابرا نه را که در چندین ورق درج بود و از طرف کارفرمایان وضع شده بود یاپاره نمودند و یا آتش زدند.

شعله جاوید که پشتیبانی از هر هر گونه جنبش توده ای را شعار خویش میداند با ثبات و یامر دی در سنگر مبارزه از خواسته های کارگران قهرمان جنگلک، فابریکه بوت آهو و شاگردان میخانیک جانی بیداری خواهد کرد.

نامه رنجبران

کارکنان شعله جاوید.

ما نرس های زیرنتون از آنجا که جریده شعله جاوید را یگانه مثل اندیشه ها و انعکاس دهنده آمال خویش میدادیم اینک بدین وسیله خواسته های خویش را بشما می فرستیم تا آنرا در شعله جاوید منعکس سازید.

۱- معاشی ما فوق العاده ناچیز است و خود میتوانید تصور کنید که با این معاش کم باچه دشواری ها روبرو هستیم.

۲- بیمه صبحی و دکاتور مؤظف نداریم شاید در تصور آمرین بیدادگر ننگند که مانرس ها به چه بیماری های گوناگون مصاب هستیم و این کار توانفرسا که بر ما تحمیل شده کاهنده زندگی و شکنجه دهنده روح ماست در حالیکه بیماری یک نرس متضمن اخراج فوری او از کار است.

۳- ما رخصتی قانونی و غیره نداریم و در صورت مریضی که بالطبع غیر حاضر میشویم استحقاق ما گولات ماقطع میشود و علاوه بر یک روز کسر معاش مجبوریم چهل ساعت دیگر جزا به کار شاق و طاقت فرسای خود ادامه دهیم.

این بود دشواری های عمده ما که یقین داریم فقط از طریق مبارزه پیگیر ما و سایر رنجبران رفع میشود.

...

خبرنگار ما از ولایت قندهار گزارش می دهد که بروز نهم جوزا کارگران فابریکه پشمینه بافی برای تقلیل ساعات کار و افزایش معاش دست به مظاهره زده بودند ولی مقامات حاکمه در ولایت قندهار با گسیل داشتن پولیس و ژاندارم مظاهره کنندگان را متفرق ساختند.

شعله جاوید: رنجبران تنها با همبستگی و تحکیم اتحاد خویش میتوانند راه دشوار گذار مبارزه را کامیابانه بسر برسانند و دشمنان طبقاتی خویش را در هم شکنند.

به اداره محترم شعله جاوید

پیوند تظاهرات ضد استعمار فرهنگی در ولایات

کشور

عمل آنها مترقیست و از توده های خواستار شدند که تا با ایشان درین مظاهره اشتراک نمایند و با فرزندان شان در یک صف قرار گیرند.

از اینکله او ضاع خلاف منافع طبقه حاکمه بود والی پروان در اجتماع آنها حاضر شده و بعرضی شان گوش داده و باز هم شاگردان فریب طبقات حاکمه را نخورده

ازینکه گفته اند «پافشاری روی مبارزه کلید پیروزیست» قاطعانه استواری نشان دادند که در نتیجه همان روز قرار هدایت والی منطقه معاون مکتب از آنجا تبدیل و بعوض آن سر معلم لیسه مقرر گردید.

شاگردان در حوالی ساعت (۱۲) ظهر در حالیکه شعار میدادند «زنده بادر و شنفران مرقی» و «مرگ بر ارتجاع مرده باد قاتل میر بچه چیراسی نا بود فر هنگ استعماری و ملاکی» خاتمه یافت.

باز هم نقض وحدت در پرده فریادهای...

اکثریت عظیم خلق از اقلیت ناچیز و مفتخوار اعمال میدارند باطریقه ای که مر تجعین در پیش می گیرند از بیخ و بن متفاوت و متضاد است که همینطور هم باید باشد. اقتصاد و سیاستی را که طبقات بین البینی و خرده بورژوازی جهت حفظ موقف و منافع خود برای آشتی دادن استثمار شونده گان و استثمار کنندگان پیش میکنند نمیشود مرقی و پیشرونده محسوب شود، و نیز ایدئالوژی را که عناصر پیشرو برای نیل به هدف خدمت به توده های شان از قید استثمار پخش میکنند با ایدئالوژی که مر تجعین و خرده مالکین برای پایداری سیستم فرتوت خود به جا معه عرضه میدارند کاملاً متضاد و مخالف است.

اختلاف ایدئالوژیکی پی و بنیاد و اساس محکم در اجتماع داشته و نیست که بشود مانند پیراهن وزیر

بر اساس گزارش خبرنگار ما از یک هفته به اینسو محصلین پوهنخی تعلیم و تربیه به عنوان اعتراض علیه فرهنگ ملاکی و نیمه استعماری، علیه بر نامه های زهر آگین و زیان آور آموزشی، علیه به اصطلاح استادان و کار شناسان امور آموزشی و پرورش امریکایی که از هیچگونه کوشش برای تخدیر افکار محصلین و جلو گیری از رشد استعداد آنان دریغ نمی ورزند دست به اعتصاب زده اند. ولی مقامات مسئول تاکنون به مطالبات منطقی شاگردان جواب قناعت بخشی نداده اند.

شعله جاوید: جنبش های محصلان را بیدیده بزرگداشت می نگرد و پیکار دلیرانه آنان را برای ازپا در افکندن فرهنگ پوسیده کهن و پایه گذاری فرهنگ نوین می ستاید.

خبرنگار ما گزارش میدهد که چند روز پیش از این متعلمین مکتب ریزه کوهستان دست به مظاهره زدند و کارگران فابریکه گلپهار نیز با آنها پیوستند.

انگیزه این مظاهره کشیدن راه مستراح های فابریکه بدریا بوده است.

شعله جاوید: این روش نامعقول را که بازی باصحت مردم است شدیداً نکوهش می کند.

تقویه سیکتور دولتی و تدارک جنبه دموکراتیک ملی این مرام را برآورده سازد. و طوریکه تاحال ادعاهای آنها با اصول رد شده و باز گویی آن در اینجا تکرار مکررات است سازشکارانی بیش نیستند که می خواهند منافع خلق و دشمنان خلق را، دشمنان طبقاتی که باهم آشتی ناپذیرند آشتی بدهند. این اتهام نیست بلکه هرکس که اندکی دید وسیع داشته و از اصول بوئی برده باشد صحت گفتار ما را تایید میکند و سازشکاران نیز در واپسین تحلیل و تعمقی نمی توانند مرتجع نباشند. حال چطور با عناصریکه جز زوال و نابودی نهضت آزادبخش خلق و مردم آرمانی ندارند «باقیدار»